

نویسنده: پیتر کرومر^۱
مترجم: روح‌الدین کردعلیوند

تهدید بزهداری هسته‌ای

در این مقاله ابتدا به تعریف بزهداری هسته‌ای می‌پردازیم: «تمام فعالیت‌های غیرقانونی نسبت به مواد اصلی رادیو اکتیو یا مواد دیگری که در ردیف آنها قرار دارند بزهداری هسته‌ای نامیده می‌شوند». مفهومی که این تعریف به دست می‌دهد از سطح معاملات ساده مواد رادیو اکتیو فراتر رفته است و تمام فعالیت‌های غیرقانونی که خطرهای ویژه مواد رادیو اکتیو را به دنبال دارند، شامل می‌شود. بنابراین از این طریق است که می‌توانیم به تعیین روندهای این بزهداری پرداخته، خود را برای موقعیت‌های خطرناک آماده سازیم. ضرورت چنین رهیافتی که تمام پیچیدگی‌های بزهداری هسته‌ای را دربرگیرد، نتیجه بحث‌ها و مذاکره‌های متعددی با کارشناسان هسته‌ای در سطح بین‌المللی بوده است. پیدایش بزهداری هسته‌ای سابقه‌ی تقریباً پنج ساله دارد. این بزهداری پدیده‌ی پیچیده‌ی می‌باشد که آن را خطرناک دانسته و با دیده تردید به آن

۱- پیتر کرومر، مدیر جنایی سرویس فدرال پلیس قضائی آلمان (BKA) است که بخش مربوط به قاچاق مواد رادیو اکتیو و سلاح‌های شیمیایی و میکروبی را اداره می‌کند.

می‌نگریم. مراکز مقابله با این بزهکاری با مفاهیمی چون «ایزوتوپ» «جرم بحرانی» «واحد سنجش رادیو اکتیویته» و «تابش نوترونی» مواجه می‌باشند که همگی نوین بوده و به‌کارگیری آنها کار آسانی نیست. علاوه بر این، کار جمع‌آوری اطلاعات در زمینه این بزهکاری به‌خوبی صورت نمی‌گیرد و نیاز به تشویق و تحریک دارد.

در شیوه‌های سنتی بزهکاری، روابط میان عاملان جنایت، قربانی و خسارت وارد شده کاملاً مشخص و واضح است. مثلاً در یک فعالیت مجرمانه همانند سرقت، به‌راحتی می‌توان تشخیص داد که سارق، مالباخته و خسارت‌دیده کدامند.

برعکس در فعالیت‌های مجرمانه مربوط به بزهکاری هسته‌ای، تشخیص قربانی و خسارت‌دیده به‌آسانی صورت نمی‌گیرد. در ابتدا به‌نظر می‌رسد که لزوم تعقیب این‌گونه فعالیت‌های مجرمانه مربوط به مصالح دولت و در جهت ملاحظه منافع عالیّه دولت صورت می‌گیرد. با این حال، هرگاد که مردم تصور روشنی از خطر استیلای جنایتکاران بر مواد هسته‌ای و رادیو اکتیو داشته‌باشند، مراکز مقابله با بزهکاری هسته‌ای می‌توانند به‌طرز فعالی، اقدامات خود را آشکار کنند.

مشکل دیگری که در زمینه بزهکاری هسته‌ای وجود دارد این است که شیوه‌های سنتی پلیس در جمع‌آوری دلایل (همانند اثر انگشت) قابل انطباق با این نوع از بزهکاری نمی‌باشند. این مشکل در مورد جرایم اطلاعاتی که نسبتاً جدید می‌باشند نیز وجود دارد. چرا که از یک طرف تشخیص این که آیا نسبت به شبکه‌های اطلاعاتی، تجاوزی صورت گرفته یا نه، کار ساده‌یی نیست و از سوی دیگر پیگیری و تعقیب مسؤولان این تجاوز، کاری بس مشکل است. با وجود مشکلات ذکر شده در جمع‌آوری دلایل در زمینه بزهکاری هسته‌ای، مراجع پلیسی کمتر حاضر می‌شوند که به شناسایی این پدیده پرداخته، تدابیر مقابله با آن را به‌کار ببندند. به‌طور خلاصه، باید گفت که بزهکاری هسته‌ای همانند جرایم اطلاعاتی، توجه و دقت ویژه‌یی را در زمینه‌های علمی و تکنولوژی، و اندیشه‌یی باز و پویا را نسبت به موارد جدید، می‌طلبد.

تهدید واقعی یا خیالی؟

يك مجله اطلاعات آلمانی که در تاریخ ۲۰ فوریه ۱۹۹۵ منتشر شده بود در تیترو مطالب خود این جمله را درج کرده بود. «سوء قصد با پلوتونیم در مونیخ».

يك هفته نامه آلمانی که با تیراژ گسترده‌یی نیز چاپ می‌شود در تاریخ ۱۱ مه ۱۹۹۵ در سرمقاله خود آورده بود. «دعوای پلوتونیم در مونیخ: وکلای مدافع به شدت اعتراض کردند». مقاله‌یی نیز در همین مورد در تاریخ ۱۸ ژوئیه با عنوان زیر منتشر شد: «چندین سال زندان برای تاجران پلوتونیم - قاضی دادگاه اعلام کرد که دادوستد مواد هسته‌ای به تحریک جاسوسان صورت گرفته است».

مقالات تأثر برانگیز و انتقادی مجموع اطلاعاتی هستند که مذاکرات عمومی در اختیار ما می‌گذارند. این مقالات حاوی اندیشه‌های متفاوتی درباره موقعیت‌های انتخاب شده می‌باشند. عده‌یی بر این عقیده هستند که سوء قصد صورت گرفته در مونیخ يك تهدید جدی است و عده‌یی دیگر قائلند که عاملان این موقعیتها، فقط قربانیان تحریک می‌باشند. آنچه مسلم است این که هیچ کدام از این موقعیتها (چه سوء قصد با پلوتونیم و چه موقعیت مربوط به دادوستد ماده هسته‌ای) نمی‌توانند واقعیت را منعکس سازند. نخست به بررسی مورد اول یعنی سوء قصد با پلوتونیم در مونیخ می‌پردازیم. اولین مقاله به استناد مدارک محرمانه BKA (سرویس فدرال پلیس قضایی آلمان) اعلام می‌کند که تروریستهای صرب ارتکاب يك سوء قصد را در مرکز مونیخ از طریق انفجار يك خمپاره حاوی زباله‌های هسته‌ای در جنوب شهر، پیش‌بینی کرده‌اند در يك اجتماع مطبوعاتی که در همان روز برگزار شد BKA اعلام داشت که روزنامه‌نگاران از مدارک و اسناد BKA به عنوان پایه و اساس برای سناریوهای غم‌انگیزشان استفاده کرده‌اند و می‌بایست که مطالب BKA را به‌طور کامل نقل می‌کردند اگر وضعیت به همان گونه‌یی باشد که BKA اعلام داشت، خوانندگان مقاله خواهند دانست که مراجع پلیس، تهدید را جدی نمی‌پندارند.

در مورد اعتراضهایی که در دعوای پلوتونیم در مونیخ صورت گرفت، باید گفت که این اعتراضها حاکی از آن است که خود مراجع پلیس، فکر فروش مواد پلوتونیم را به جنایتکاران القاء می‌کنند. و این در حقیقت چشم‌پوشی از این واقعیت است که جنایتکاران با نقشه کاملاً مشخص وارد مونیخ شده و همانها کسانی بوده‌اند که در تاریخ ۱۰ اوت ۱۹۹۴ موجبات توقیف ۳۵۰ کیلوگرم مواد پلوتونیم را در مونیخ فراهم کرده‌اند.

در تاریخ ۱۷ ژوئیه ۱۹۹۵ سه نفر متهم، به حبس از ۲ تا ۵ سال محکوم شدند. رئیس دادگاه در بیاناتش اظهار داشت که تحریک از جمله مسائلی بود که در این جریان کاملاً قابل پذیرش بود. وی ادامه داد که بزهکاری هسته‌ای یک زمینه جدید برای مراکز مقابله با بزهکاری است و این مراکز باید خیلی سریع در این مورد تدابیری اندیشیده و به مرحله عمل درآورند. این دو مثال (سوء قصد در مونیخ و دعوای پلوتونیم) به خوبی نشان می‌دهند که معرفی گزینش شده موقعیتها می‌تواند خیلی سریع ما را به نتیجه‌گیریهای غلط و اشتباه رهنمون سازد. بنابراین باید به دنبال بررسی واقعیت این تهدید [با استفاده از اطلاعات به دست آمده، و شیوه‌ی اصولی و منظم] بود که این کار را انجام داده‌است، سپس به معرفی اصول مبارزه با این پدیده پرداخت.

بزهکاری هسته‌ای در آلمان

فعالیت‌های مجرمانه بزهکاری هسته‌ای را می‌توان در دو دسته زیر طبقه‌بندی کرد:

- ۱- کلاهبرداری نسبت به مواد رادیو اکتیو و دادوستد مواد غیر رادیو اکتیو (همانند خاکهای کمیاب) و گاه همراه با فریبکاریهایی بر روی کالا.
- ۲- تجارت یا معاملات غیرقانونی نسبت به مواد رادیو اکتیو.

مواد رادیو اکتیو توقیف شده مربوط به تجارت یا معاملات غیرقانونی نسبت به مواد رادیو اکتیو می‌باشد. در این نوع از بزهکاری هسته‌ای توقیف مواد از اهمیت

ویژه‌یی برخوردار است زیرا توقیف مواد مزبور به پلیس امکان می‌دهد که ماهیت مواد عرضه شده در بازارهای سیاه را مورد شناسایی قرار دهد.

در فعالیتهای مجرمانه دیگری که از آنها با عنوان کلاهبرداری نسبت به مواد رادیو اکتیو، نام بردیم بازرسان پلیس فکر می‌کنند که جنایتکاران نمی‌توانند واقعاً موجبات مواد رادیو اکتیو را فراهم کرده یا به اشتباه این تصور را به وجود آورند که مواد فروخته شده، از نوع رادیو اکتیو می‌باشند. این مورد مربوط به «جیوه قرمز» است که براحتی برای فروش عرضه می‌شود. این نوع از فعالیتهای مجرمانه نیز برای پلیس دارای اهمیت فراوان می‌باشند. زیرا همین افراد می‌توانند در زمینه مواد رادیو اکتیو هم به خوبی فعالیت کنند.

در مورد تجارت یا معاملات غیرقانونی، بازرسان پلیس با توجه به علائم و نشانه‌هایی که در اختیار دارند فکر می‌کنند که جنایتکاران واقعاً می‌توانند موجبات تحصیل مواد رادیو اکتیو را فراهم سازند. از جمله این علائم می‌توان به شناسائی عمیق موضوع، بررسیهای آزمایشگاهی و عکسبرداریهای دقیق اشاره کرد.

بعد از افزایش چشمگیر فعالیتهای مجرمانه هسته‌ای در آلمان در سال ۱۹۹۲، ۱۹۹۳، میزان کلی این جرایم در سال ۱۹۹۴ ده‌هشت دهم درصد افزایش پیدا کرده و به رقم ۲۶۷ مورد رسیده‌است.

برعکس، میزان کلاهبرداری نسبت به مواد رادیو اکتیو و مواد کمیاب غیررادیو اکتیو کاهش پیدا کرده و از رقم ۱۱۸ مورد در سال ۱۹۹۲ به ۸۵ مورد در سال ۱۹۹۴ رسیده‌است. یعنی ۲۸٪ کاهش داشته‌است. در مقابل میزان جرایم مربوط به دادوستد مواد رادیو اکتیو نسبت به سال قبل ۴۸٪ افزایش داشته‌است. البته احتمال دارد که این افزایش در اثر توقیف مواد رادیو اکتیو با قابلیت نظامی در «تنگن» «لاندشوت» و «مونیک» و تقویت شیوه‌های کنترل بزهکاری، صورت گرفته‌باشد. در اوت سال ۱۹۹۴ و بویژه در سپتامبر همین سال، توجه زیاد پلیس به این بزهکاری،

نتایجی همچون افزایش تعداد جاسوسان و شناسایی جنایتکاران احتمالی را به دنبال داشته است.

جرایم احصاء شده	۱۹۹۱	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹۴
مجموع جرایم	۴۱	۱۵۸	۲۴۱	۲۶۷
فروش متقلبانه (گاهی تولیدات فاقد اثر)	۵۸	۱۱۸	۸۵	
تجارت غیرقانونی	۹۹	۱۲۳	۱۸۲	
موارد توقیف مواد رادیواکتیو در زمینه همین جرایم	۱۸	۲۱	۱۹	

کاهش میزان کلاهبرداری و تقلب نسبت به مواد رادیواکتیو و افزایش جرایم مربوط به تجارت مواد رادیواکتیو، نشان دهنده افزایش و گسترش این بزهکاری می باشد.

موارد توقیف مواد رادیواکتیو

علاوه بر توقیف مواد رادیواکتیو: [اورانیوم طبیعی، کانی اورانیوم، پودر اورانیوم، گلوله های کوچک اورانیوم. (اورانیوم ۲۳۵ غنی شده از ۱ و ۶ تا ۴ و ۴٪) ترکیب های پلوتونیم - عنصر امریسوم، ماده سیزیوم، عنصر کریپتون ۸۵ (آشکارکننده یونها)] می توان از سه مورد توقیف مواد رادیواکتیو با قابلیت نظامی نیز نام برد.

۱- در تاریخ ۱۵ مه سال ۱۹۹۴ ترکیبی از پودرهای محتوی ۶ و ۵ گرم پلوتونیم (پلوتونیم ۲۳۹ غنی شده به میزان ۷/۹۹٪) در تنگن مورد توقیف واقع شد.

۲- در ۱۳ ژوئن سال ۱۹۹۴ میزان ۸ و ۵ گرم از پودر اورانیوم غنی شده (اورانیوم ۲۳۵ غنی شده به میزان ۷/۸۷٪) در لاندشوت توقیف شد.

بازرسان پلیس در کشور چکسلواکی موفق شدند ۲/۳۷ کیلوگرم دی اکسید اورانیوم با قابلیت نظامی را در تاریخ دسامبر ۱۹۹۴ در شهر پراگ توقیف کنند.

همچنین توانستند به شناسایی افراد فعال و گزارشهای کارشناسی جنایتکاران در این زمینه، بپردازند.

۲- در تاریخ ۱۰ اوت سال ۱۹۹۴، ۵۶۰ گرم از ترکیب پلوتونیم - اورانیوم در فرودگاه مونیخ توقیف شد. این مواد در حاشیه یک پرواز منظم از مسکو به آلمان آورده شده بودند. این ترکیب حاوی ۲۵۰ گرم پلوتونیم ۲۳۵ (غنی شده به میزان ۵۸/۸۷٪) بود. در تاریخ ۲۵ ژوئیه سال ۱۹۹۴ نیز ۱ گرم از همان ترکیب پلوتونیم - اورانیوم (حاوی ۲۴۰ mg از دی اکسید پلوتونیم ۲۳۹ غنی شده به میزان ۸/۸۶٪) توقیف شد. تقریباً تمام موارد توقیف در سال ۱۹۹۵ به ابزار و وسایل متناسب با پرتوزایی یا منابع پرتوزایی به کار گرفته در جهت آموزش، مربوط می‌شود. تولیداتی که خطر آنها به مراتب بیشتر از مواد توقیف شده در سال ۱۹۹۴ می‌باشد.

علاوه بر موارد مربوط به مواد شکافت پذیر با قابلیت نظامی، پلیس باید خطرهایی را که سایر مواد رادیو اکتیو نسبت به محیط و افراد دارند، مورد توجه قرار دهد. از جمله این مواد، سیزیوم ۱۳۷ است که یک ماده بسیار خطرناک محسوب می‌شود.

منبع و خط سیر مواد رادیواکتیو

با توجه به قرائن موجود، علائم روی وسایل حمل و نقل این مواد، ملیت اشخاص به کار گرفته شده، تابعیت شرکتها و گزارشهای مربوط به آزمایشهای انجام شده، می‌توان گفت که همانند دو سال پیش، مواد رادیواکتیو عرضه شده برای فروش یا مواد توقیف شده، عمدتاً از کشورهای سابق بلوک شرق وارد خاک آلمان شده‌اند و منبع آنها همین کشورها می‌باشند. براساس اطلاعات به دست آمده مواد رادیواکتیو عمدتاً از طریق کشورهای بالت، لهستان و کشورهای جنوب شرق اروپا (اسلوواکی، جمهوری چک، مجارستان، رومانی، بلغارستان، یوگسلاوی سابق) وارد آلمان می‌شوند.

جمهوری فدرال آلمان دارای مرزهای طولانی مشترکی با کشورهای اروپای

شرقی می‌باشد. جنایتکارانی که از این کشورها می‌آیند. با توجه به شکوفایی اقتصادی آلمان به راحتی جذب این کشور می‌شوند.

فرضیه‌یی که تاکنون مطرح شده و مبتنی بر این فرض است که در آلمان واسطه‌گران و فروشندگان مواد هسته‌ای وجود دارند اما خریداری برای آنها در آلمان یافت نمی‌شود، کاملاً مورد تأیید است.

مواد رادیواکتیوی که در آلمان توقیف شده و دارای قابلیت نظامی است هر چند که برای ساختن يك سلاح هسته‌ای کافی نیست اما این نکته را گوشزد می‌کند که تهدید مواد هسته‌ای دقیقاً از سال ۱۹۹۴ خود را نشان داده‌است.

اطلاعات به دست آمده در قالب همکاریهای بین‌المللی نشان می‌دهد که مواد رادیواکتیو با قابلیت نظامی از طریق بازارهای سیاه در دسترس قرار می‌گیرد. بنابراین می‌توان این احتمال را مطرح ساخت که ذخیره‌سازی سوخت‌های هسته‌ای در کشورهای سابق بلوک شرق کاملاً قطعی و مسلم نیست و نباید خطرهای مربوط به از دست دادن این مواد را دست کم گرفت.

آنچه که در حال حاضر امکان آن وجود دارد، بررسی دقیق کمیت واقعی مواد رادیواکتیو از دست رفته و اهمیت ساختارهای احتمالی توزیع این مواد می‌باشد.

تروریسم هسته‌ای

تعریفی که می‌توان از تروریسم هسته‌ای ارائه داد عبارت است از: «به‌کارگیری یا تهدید به‌کارگیری ابزار و سلاح‌های هسته‌ای توسط اشخاص (علاوه بر دولت‌ها) به‌منظور اهداف غیرقانونی» این سلاح‌ها ممکن است از نوع نظامی، دست‌ساز و یا از نوع دیگر آن یعنی سلاح‌های متعارف انفجار به‌منظور پراکندن مواد رادیواکتیو باشند. از آن‌جایی که هیچ اطلاعات دقیقی در اختیار نداریم نمی‌توان با جرأت گفت که جنایتکاران می‌توانند سلاح‌های مذکور را فراهم کنند. از يك طرف ذخیره‌سازی

سلاحهای هسته‌ای به خوبی صورت نمی‌گیرد و از سوی دیگر، ساختن وسایل و سلاحهای دست‌ساز (نیمه صنعتی) نیازمند مجموعه‌یی از اطلاعات فنی و علمی است و دانش ویژه‌ای را می‌طلبد و حال آن‌که بزهکاران از چنین امکاناتی برخوردار نیستند. با این حال به نظر می‌رسد که جنایتکاران امکان بیشتری را در جهت فراهم ساختن سلاحهای متعارف انفجار دارا هستند. موقعیتهای مربوط به اخذ به زور و تهدید هسته‌ای در آلمان به‌قرار زیر می‌باشد.

در سال ۱۹۹۴ بازرسان پلیس مواردی را در زمینه اخذ به‌زور و تهدید با پرتوافکنیهای هسته‌ای شناسایی کردند. البته نسبت به این موارد تردیدهایی نیز وجود دارد:

۱- چند نفر ناشناس صاحب یک قمارخانه را از طریق ارسال يك نامه تهدید کرده‌بودند که در صورت عدم پرداخت مبلغ ۲۵۰۰۰۰ مارک، يك بمب حاوی مواد رادیواکتیو را در نزدیکی ساختمان قمارخانه منفجر خواهند ساخت. نامه تهدیدآمیز این افراد با عنوان مافیای روس امضاء شده‌بود.

۲- فرد دیگری که از ذکر نام خودش خودداری کرد در تماس تلفنی با يك مرکز اداری اعلام کرد که وی محل دفن شش گلوله اتمی را در خاک آلمان می‌داند. او در ازای این اطلاعات مبلغ يك میلیون مارک آلمانی را مطالبه می‌کند. در دومین تماس تلفنی وی تهدید می‌کند که در صورت عدم پرداخت، یکی از این گلوله‌ها را توسط مزدوری منفجر خواهد کرد. این فرد ناشناس در ایتالیا دستگیر شد و در مدت حبس موقت خودش را به‌دار آویخت.

۳- يك شعبه پس‌انداز بانک، نامه‌یی را دریافت کرد که در آن، این شعبه تهدید شده‌بود که در صورت عدم پرداخت يك میلیون مارک آلمانی، گاز سمی پلوتونیوم را در آن محیط منتشر می‌سازند.

۴- يك سوپرمارکت نیز نامه‌یی بدون نام و عنوان دریافت کرد که در آن تهدید

شده بود که اگر مبلغ ۱/۵ میلیون مارک نپردازد، يك انبار مهمات را با مواد هسته‌ای منفجر خواهد ساخت. این نامه که با خط آلمانی بدی نوشته شده بود از فرودگاه فرانکفورت پست شده بود. تهدیدهای مربوط به آزاد سازی مواد رایواکتیو در دو مورد دیگر نیز صورت گرفت اما هیچ حادثه‌ی اتفاقی نیفتاد. در مورد اول، ارتش مردمی آزادی بخش آلمان از کشور لهستان خواست که مناطق اشغال شده این کشور را آزاد کند (این مناطق از سال ۱۹۱۸ توسط لهستان اشغال شده بودند) و تهدید کرد در صورت عدم آزادی مناطق اشغال شده، رئیس‌جمهور لهستان را در معرض پرتوافکنی (تابش) يك كيلو پلوتونیوم قرار خواهند داد که قبلاً در شهر ورشو جاسازی شده است در مورد دیگر شخصی ناشناس که دارای لهجه‌ی از اروپای شرقی بود در يك تماس تلفنی اعلام کرد، طی سفرش به یوگسلاوی سابق از زبان يك صرب شنیده است که يك خمپاره حاوی زباله‌های هسته‌ای در جریان سفر گروه‌های آلمانی به بوسنی، به مونیخ آورده شده است. همچنین بیان داشت که این خمپاره حاوی زباله‌های هسته‌ای در يك مرکز هسته‌ای اسلوواکی تهیه شده است.

به‌طور خلاصه می‌توان گفت که اقداماتی در جهت اخذ به‌زور و تهدید هسته‌ای در آلمان صورت گرفته است اما تاکنون هیچ خطر جدی را در پی نداشته است. البته موارد مذکور نشان می‌دهند که مسائل سیاسی، جنبشها و حرکت‌های اقتصادی می‌توانند در تهدیدهای هسته‌ای سهیم باشند. همان‌طوری که قبلاً نیز گفته شد هیچ مدرکی در جهت عنوان کردن این مطلب که تروریستها واقعاً از سلاح‌های هسته‌ای در جهت رسیدن به اهداف خود استفاده کرده‌اند، در دست نداریم. سیاست گروه‌های تروریستی که به دنبال تحصیل حمایت و پشتیبانی مردم هستند نیز این مسأله را تأیید می‌کند. چرا که هیچ قصدی جز از طریق هواداران آن مورد پذیرش افراد واقع نمی‌افتد. با این وجود، امروزه با شیوه‌های نوینی در فعالیتهای تروریستی مواجه هستیم سوء قصد علیه يك مرکز تجاری جهانی در نیویورک، و سوء قصد نسبت به ساختمان اداره مرکزی در

اکلاهما نمونه‌هایی از این فعالیتها می‌باشند. همچنین سوء قصد با استفاده از گازهای سمی انجام شده توسط فرقه‌آئوم AUM (ژاپن) ازجمله نشانه‌های هشداردهنده گسترش تروریسم می‌باشد. بنابراین آنچه امروزه از اهمیت بیشتری برخوردار است این است که خود را نسبت به سوء قصدهای احتمالی مجهز سازیم.

بررسی موقعیت بزهکاری هسته‌ای

جنبشهای عمیق اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ایجاد شده در کشورهای سابق بلوک شرق و بی‌ثباتی یکسانی که این کشورها را فراگرفته‌است، ریشه‌های اصلی بزهکاری هسته‌ای در شکل کنونی آن را تشکیل می‌دهند. این احتمال وجود دارد که مواد رادیواکتیو عرضه شده برای فروش یا توقیف شده، تقریباً به‌طور انحصاری از کشورهای مشترک‌المنافع (جمهوری‌های تازه به استقلال رسیده شوروی سابق) یا کشورهای اروپای مرکزی و شرقی وارد می‌شوند.

فعالیت‌های مجرمانه مربوط به مواد رادیواکتیو به‌عنوان علائمی در جهت گرایش به‌سوی اعمال تروریستی و اخذ به‌زور محسوب می‌شوند. همچنین اطلاعات به‌دست آمده از بزهکاری هسته‌ای، معلوماتی را نیز در مورد گسترش و انتشار تکنولوژی هسته‌ای، امنیت و سلامتی سیاسی، کنترل صادرات و کارایی تدابیر حمایتی در مقابل خطرهای هسته‌ای در اختیار ما قرار می‌دهد.

نقش تعیین‌کننده بازارهای سیاه هسته‌ای در ملاحظه قانونگذاران ملی به‌خوبی آشکار می‌شود. چرا که در این قانونگذاران، قراردادهای بین‌المللی کشورهای امضاءکننده را متعهد می‌کنند که تدابیر امنیتی مربوط به ذخیره‌سازی مواد شکافت‌پذیر و هسته‌ای را به‌کار ببندند. موارد توقیف شده از این مواد در بازارهای سیاه نشان می‌دهند که تدابیر مذکور کارایی لازم را ندارند. علاوه بر این کشورهای که قرارداد منع تکثیر سلاح‌های هسته‌ای را امضاء کرده‌اند موظفند که از تولید سلاح‌های هسته‌ای جلوگیری به‌عمل آورند.

در رابطه با کاهش آمار این جرایم در آلمان باید گفت که مذاکرات عمومی که گاهی هم خیلی منتقدانه صورت می‌گیرد، تصمیم‌گیری در زمینه بزهکاری هسته‌ای را مشکل ساخته است. سخنگوی یک حزب سیاسی در کمیسیون تحقیقی که از سوی پارلمان آلمان در اکتبر سال ۱۹۹۵ برگزار شد، اعلام داشت که باید مواظب بود که نظرات کمیسیون مراجع پلیسی را تضعیف نکرده و آنها را بی‌انگیزه نسازد، بلکه باید به تقویت موقعیت آنها پرداخته تا بتواند مواد هسته‌ای در حال جریان را کشف و ضبط کند.

پیش‌بینی

مادامی که وضعیت عمومی اقتصاد در کشورهای اروپای شرقی* بهبود پیدا نکند بزهکاران، تجارت مواد هسته‌ای را به منظور دستیابی به ارزهای خارجی با استفاده از تمام شیوه‌های خود، ادامه می‌دهند.

خطر مهم دیگری که وجود دارد این‌که بزهکاران به منظور دستیابی به اهداف خود، خود را به گلوله‌های هسته‌ای یا ابزارهای قراردادی انفجار در جهت پراکندن مواد رادیو اکتیو مجهز می‌کنند. گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
سال شانزدهم علوم انسانی
به‌طور کلی باید گفت که بزهکاری هسته‌ای پدیده‌ای نوین بوده و خطرهای ویژه خود را دارا می‌باشد و باید به‌طور جدی و با تمام امکانات با آن مقابله شود.

اصول مهم در مقابله با بزهکاری هسته‌ای

در تمام تدابیر اتخاذ شده توسط مراکز مقابله با بزهکاری این واقعیت را باید مورد توجه قرارداد که دستکاری نامتناسب و ناسازگار با مواد رادیو اکتیو خود می‌تواند منشأ خطرهای زیادی باشد. خواص مربوط به مواد رادیو اکتیو، خطرهایی که این مواد به‌دنبال دارند و چگونگی حفاظت در مقابل پرتوافکنیهای این مواد نیازمند

* به نظر نویسنده این کشورها منشأ مواد هسته‌ای می‌باشند.

دانش و اطلاعات ویژه‌یی می‌باشد. همچنین باید دانست که بزهکاری هسته‌ای به‌طور کلی دارای شاخه‌های بین‌المللی، روشهای مخصوص خود و افراد به‌کار گرفته‌شده از خارج می‌باشد، با در نظر گرفتن این دو نکته در زمینه مقابله با بزهکاری هسته‌ای اصول زیر قابل توجه می‌باشد.

۱- در تمام مراحل یک حادثه یا یک فعالیت هسته‌ای، همیشه باید خطر مربوط به پرتوافکنیهای مواد رادیو اکتیو را مدنظر داشت. یعنی در حالت تعارض میان مقتضیات مقابله با بزهکاری هسته‌ای و امنیت مردم، باید همواره به عامل دوم اهمیت بیشتری داد. این مطلب نشان می‌دهد که پلیس باید به موقع، سرویسهای مجهز به شیوه‌های حفاظت در مقابل تشعشعات هسته‌ای را فراخواند. و هر زمانی که پلیس دلایل کافی مبنی بر وجود مواد هسته‌ای و خطرناک بودن آنها را در دست داشته‌باشد این کار را باید انجام دهد.

۲- این واقعیت را نیز باید در نظر داشت که تاکنون در بازارهای سیاه هسته‌ای تنها با فروشندگان و واسطه‌کاران مواد هسته‌ای مواجه شده‌ایم و با هیچ خریدار بالقوه‌یی برخورد نکرده‌ایم. بنابراین فعالیت پلیس نباید به‌گونه‌یی باشد که فروشندگان و سازمان مواد هسته‌ای شانس یافتن خریداری را پیداکنند.

همکاریهای بین‌المللی باید این امکان را به‌وجود آورد که بتوان همه موارد کشف رادیواکتیو را در همان محل کشف و بدون انتقال به محل دیگری، ضبط و توقیف کرد. همچنین این مسأله باید روشن شود که تدابیر متقابل در قالب همکاریهای بین‌المللی در زمینه کنترل بزهکاری هسته‌ای موفق بوده‌است یا خیر؟ در صورت عدم موفقیت است که باید شاهد خطر از دست دادن تمام کنترلها بر روی موادی که به‌طور غیرقانونی برای فروش عرضه می‌شوند، باشیم و نظاره کنیم که این مواد توسط افراد بزهکار به‌منظور اهداف مجرمانه خریداری می‌شوند.

۳- پدیده بزهکاری هسته‌ای دارای این ویژگی است که مواد هسته‌ای آن به‌طور

تقریباً انحصاری از کشورهای مشترک‌المنافع (جمهوری‌های تازه استقلال‌یافته شوروی سابق) یا کشورهای اروپایی شرقی و مرکزی نشأت گرفته و وارد اروپای غربی می‌شوند. به منظور مقابله کارآمد با این‌گونه جرایم، تمام کشورهای نامبرده باید به شکل اصولی و منظم و بدون در نظر گرفتن شرایط هر جرم، با هم همکاری کنند. برای آن‌که تدابیر و اقدامات مقابله با بزهکاری هسته‌ای بتوانند این مسأله را به طور اساسی مورد توجه قرار دهند همکاری بین‌المللی باید بر مسائلی همچون منشأ این مواد، شیوه‌ها و اشخاص به کار گرفته شده و خط سیر این مواد متمرکز شود.

تبادل سریع اطلاعات در سطح بین‌المللی و همکاری‌های علمی و کافی (به ویژه در مورد کشورهای منشأ و محل ترانزیت این مواد) می‌تواند ما را به اهداف مورد نظر برساند و همچنین این امکان را به ما می‌دهد که روابط جنایتکاران را با منابع تغذیه‌کننده آنها قطع کنیم.

اقدامات و تلاش‌های کشورها مربوط به این پدیده، در جهت حمایت از امنیت باید بیشتر از سایر زمینه‌ها با اتهام و تعقیب قضائی همراه باشد. این امر باعث می‌شود که تدابیر اتخاذ شده در زمینه همکاری‌های بین‌المللی هماهنگ و کاملتر باشد.